

# معجزه مردم در خیابان ایران

سرمقاله | صفحه ۲





# معجزه مردم در خیابان ایران

## یک راه پیمایی ساده و تکراری؟

ما مردم و افکار عمومی ایران، به عنوان هدف و قربانیان این جنگ کثیف، هیچ اطلاع دقیقی از ابعاد و گستره‌ی این جنگ بزرگ نداریم. زمانی که مَهر محرمانگی از روی این پرونده پاک شده و دسترسی به جزئیات آن میسر شود، آن روز محاسبات و قضاوت‌ها درباره‌ی خیلی چیزها تغییر خواهد کرد؛ مثلاً چه چیزهایی؟ یکی از آن‌ها راه پیمایی بیست و دوم بهمن امسال که همین چند روز پیش برگزار شد.

خب از نظر خیلی‌ها و حتی خودمان که به خیابان آمدیم و در میان مردم بودیم، ظاهراً موضوع ساده است: مردم در چهل و ششمین سالروز پیروزی انقلاب، علی‌رغم بروود هوا و افسارگسیختگی قیمت ارز، بار دیگر به خیابان آمدند و با انقلاب و آرمان‌های آن تجدید عهد و پیمان کردند. ظاهر ماجرا همین است و غلط هم نیست؛ اما آیا این دوخطی ساده و سراسر است که درست هم هست، همه‌ی ماجرا هم هست؟ قطعاً نه. ما اغلب به سادگی عبور



دشمن می‌خواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استکبار، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرف‌ها باید دست بکشیم؛ کما اینکه گفتند دیگر، در یک برهه‌ای کسانی گفتند آقا اول کنید قضیه اسرائیل را، اول کنید قضیه فلسطین را... رها کنید این حرف‌ها را؛ چه کار دارید؟



می‌کنیم؛ از رخدادها، از آدم‌ها و از خیلی چیزهای دیگر. جشن بیست و دوم بهمن امسال هم از همین موضوعات و ماجراها است که راحت از آن می‌گذریم. این ساده و راحت گذشتن از کنار این رویداد بزرگ شاید دو علت دارد. یکی اینکه چون هر سال تکرار می‌شود، گویا برایمان عادی و تکراری است؛ اتفاقی ساده که هر سال می‌افتد؛ عده‌ای به خیابان می‌آیند و برخی هایشان پرچم‌هایی در دست دارند

اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده در آمریکا طی فرایندهای خاصی از حالت محرمانگی خارج می‌شوند و در دسترس عموم قرار می‌گیرند. یکی از این روش‌ها خروج خودکار از طبقه بندی است که بر اساس آن، پس از گذشت ۲۵ سال، اسناد به طور خودکار منتشر می‌شوند. اما این روش بدون محدودیت هم نیست؛ یکی از محدودیت‌های مهم و جدی در این زمینه، اسناد مربوط به روابط خارجی حساس است که بدون شک، اسناد مربوط به جمهوری اسلامی و حتی ایران پیش از انقلاب در این دسته قرار می‌گیرند. حدود ۸ سال پیش، پس از گذشت ۶۴ سال از کودتای بیست و هشتم مرداد و سرنگون کردن دولت مصدق توسط آمریکا و انگلیس، به دستور دولت وقت آمریکا برخی از اسناد این کودتا منتشر شد. البته باز هم نه همه‌ی اسناد؛ هنوز برخی از اسناد به طور کلی منتشر نشده‌اند و اسناد بسیار بیشتری با سانسور بخش‌هایی از آن‌ها که هنوز هم از منظر امنیت ملی آمریکا مهم و محرمانه تلقی می‌شوند، منتشر شدند. انگلیسی‌ها هم که در این زمینه کلاً و از بیخ و بن حاضر به انتشار اسناد محرمانه و شفاف‌سازی درباره‌ی نقش خود در کودتای آژاکس نیستند. امروز بیش از هفتاد سال از آن کودتای پیچیده و سرنوشت‌ساز می‌گذرد؛ کودتایی که شاه فراری را به ایران بازگرداند و تا وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به مدت ربع قرن، مقدرات این کشور را در دست او و حکومت فاسدش قرار داد.

## نوک کوه یخ

این مقدمه برای آن بود که بدانیم آنچه میان آمریکا و ایران گذشته و می‌گذرد، همچون کوه یخی است که تنها نوک آن از آب بیرون بوده و قابل رؤیت است؛ تمام واقعیت و ابعاد آن شاید ده‌ها سال بعد نیز فاش و روشن نشود. پرونده‌هایی از این دست که ما تنها نامی و کلیتی از آن‌ها می‌دانیم کم نیستند؛ حمایت آمریکا از رژیم صدام در جنگ هشت ساله، حمایت از گروه‌های تجزیه طلب و تروریستی علیه ایران، ترورهای موقت و ناموقت، خرابکاری‌های نظامی و صنعتی و علمی، تلاش‌ها و رایزنی‌های دیپلماتیک برای ضربه زدن به ایران، داستان دور دراز تحریم، جاسوسی و نفوذ و بسیاری از سرفصل‌های دیگر در کتاب قطور و ظاهراً بی‌پایان دشمنی و توطئه‌ی آمریکا علیه ملت ایران. اگرچه درباره‌ی هر کدام از موارد و موضوعات فوق قطعاً هزاران و بلکه ده‌ها هزار برگ سند محرمانه در دولت آمریکا وجود دارد، اما با اطمینانی بسیار بالا می‌توان و باید گفت بعید است پرونده‌ای در این جنگ ترکیبی و تحمیلی و آشینگتن علیه ایران، مفضل تر و قوتورتر از پرونده‌ی جنگ نرم و به خصوص بُعد رسانه‌ای و عملیات روانی آن باشد.

برخی هم ندارند و شعارها هم که از اول تا امروز کم و بیش یکسان بوده: «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل»؛ پرچم‌های این دورریم هم این طرف و آن طرف به آتش کشیده می‌شود و رئیس‌جمهور وقت، در میدان آزادی سخنرانی می‌کند و در انتهای راه پیمایی هم بیانیه‌ای رسمی خوانده می‌شود و مردم برمی‌گردند به خانه‌های خود.

## سهم هیرانی چقدر است؟

از منطقی، انگار همه چیز تکراری و کلیشه‌ای است؛ اما اگر قسمت پنهان آن کوه یخ را می‌توانستیم ببینیم و مَهر محرمانه‌ی نهادهای ریز و درشت آمریکایی و انگلیسی و صهیونیستی و مانند این‌ها بر آن نخورده بود، قطعاً نگاهی دیگر به ماجرا داشتیم. اگر می‌دانستیم از وزارت خارجه‌ی آمریکا و پنتاگون و سیا گرفته تا ان‌ای‌دی و موساد و ام‌آی ۶ با کمک صدها رسانه‌ی بزرگ و هزاران هزار میکروسانه، چه طراح پیچیده و عجیب و غریبی برای نفوذ به ذهن ایرانیان و تسخیر آن‌ها کرده‌اند، آن وقت شاید حتی نمی‌توانستیم روی خیلی چیزها ارزش و قیمت بگذاریم. چه کسی می‌داند طی چهار دهه‌ی اخیر برای آلوده‌سازی افکار عمومی ایران، به ازای هیرانی چند کلمه تولید محتوا شده است؟ چند دقیقه فیلم ساخته شده؟ چقدر صوت تولید و منتشر شده؟ به هیرانی چند آهنگ و چند بیت شعر و ترانه می‌رسد؟ چقدر خبر دروغ و روایت جعلی منتشر شده؟ چند توییت زده شده؟ چقدر هشتگ طراحی شده؟ لشکرهای سایبری در این میدان چه ابعادی دارند و چند نفر آن سوی کابل‌های اینترنتی، مشغول فعالیت هستند تا مردم ایران هفت روز هفته و بیست و چهار ساعته تحت بمباران اخبار منفی و مایوس‌کننده و تلخ باشند؟ چند جوک ساخته شده؟ چقدر شعار طراحی شده؟ به نظر می‌رسد ابعاد این نبرد چنان پیچیده و گسترده است که بفرض محال، حتی اگر روزی دشمن نیز تصمیم به شفاف‌سازی درباره‌ی آن بگیرد، خود نیز نتواند تمام این کوه یخ را در معرض دید همگان قرار دهد. اگر این‌ها را می‌دانستیم، آن وقت حضور تک‌تک آدم‌ها برایمان واجد معنا و ارزش دیگری می‌شد، هر قدمشان حرفی و پیامی داشت و دیگر شعارشان به گوشمان تکراری نمی‌نمود.

## حتی اگر یک نفر می‌آمد...

می‌گویند دو دسته از آدم‌ها سؤال ندارند؛ یکی آن‌ها که همه چیز را می‌دانند و دوم آن‌هایی که هیچ چیز نمی‌دانند. اینکه از کنار جشن مردمی و سراسری بیست و دوم بهمن راحت عبور می‌کنیم و آن را عجیب نمی‌دانیم و هیچ سؤال و پرسشی هم درباره‌ی آن نداریم، ناشی از همان توهمی است که همه چیز را درباره‌ی آن می‌دانیم؛ نتیجه‌ی نداشتن سؤال هم می‌شود نگاه‌های بسیط، ارزیابی‌های کلی، تحلیل‌های بی‌توجه به جزئیات و بالاخره گیر افتادن در چرخه‌ی ملال‌آور تکرار. اگر می‌دانستیم

**ادامه از صفحه ۲** در این جنگ نرم و رسانه‌ای، سهم هر ایرانی چند تن بمب است، آن وقت حتی اگر یک نفر در این کشور پهناور در روز بیست و دوم بهمن به خیابان می‌آمد و پیروزی انقلاب اسلامی را بعد از ۴۶ سال گرامی می‌داشت و جشن می‌گرفت، باید تعجب می‌کردیم و از خود می‌پرسیدیم این آدم چه سپر دفاعی و پناهگاهی دارد و چگونه توانسته زیر این بمباران وحشتناک زنده بماند و امروز به خیابان بیاید؟ بعد می‌رفتیم پای صحبتش می‌نشستیم و هر چه را بر او گذشته بود، در مرحله اول ثبت و ضبط می‌کردیم و سپس به تجزیه و تحلیل می‌پرداختیم. اما دریغ و افسوس که ابعاد معجزه چنان بزرگ است و ماجرا چنان مهیب که از درک عظمت آن ناتوانیم! آن قدر ناتوان که حضور میلیون‌ها نفر در این جشن بزرگ و ملی را رویدادی عادی و معمولی می‌پنداریم و هیچ شگفت‌زده نمی‌شویم.

### ■ قیام مردمی

حالا یک بار دیگر این جملات و عبارات رهبر انقلاب را که در دیدار روز چهارشنبه‌ی هفته پیش بیان شد، با تأمل بخوانید و دقت کنید: «این بیست و دوم بهمن آخرین یکی از برجسته‌ترین جشنهای انقلاب بود؛ یکی از مهم‌ترین‌ها بود. مردم در واقع در روز دوشنبه قیام کردند. اینکه آمدند در خیابانها و شعار دادند و حرف زدند و در رسانه‌ها نظرات خودشان را گفتند و این در سراسر کشور اتفاق افتاد، این یک قیام مردمی بود، یک حرکت بزرگ ملی بود؛ در زیر بمباران تبلیغات و حرکات جنگ نرم مودیانه‌ی دشمن - که علیه همین بیست و دوم بهمن و صاحب بیست و دوم بهمن که ملت ایرانند و قهرمان بیست و دوم بهمن که امام بزرگوار است، مرتب دارند حرف می‌زنند - مردم بیایند در زیر این بمباران تبلیغاتی و رسانه‌ای و جنگی، این جور خودشان را

### روایت

### چفت و بست‌های جامعه

به چهره‌های توی عکس دقت کنید. مخصوصاً آن دختری که پشت روحانی ایستاده و از همه دورتر از به لنز دوربین عکاس است. حال خوب توی چهره‌ها موج می‌زند. حال خوبی بر مدار یک ایده بر خاسته از دین. شاید در این دوره‌ی ما، مستقیماً آموزه‌های دینی هم تبادل نشوند. ایرادی هم ندارد. نفس دور هم جمع شدن انسان با افراد دیگری که شبیه خودش هستند و می‌تواند حال انسان را خوب کند. علاوه بر آن آدم را به هویت‌های بزرگ‌تر هم گره می‌زند و این یعنی من تنها نیستم. اینجاست که گردهمایی‌ها و آیین‌ها و مناسک دینی که بر اهمیت اجتماع مسلمانان و مومنان تاکید می‌کنند مهم می‌شوند. اینها چفت و بست‌های جامعه را تقویت می‌کنند.

نشان بدهند. ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

اغلب چون نمی‌دانیم، سؤالی نداریم و ساده عبور می‌کنیم. وقتی به این سخنان رهبر انقلاب نیز می‌رسیم، ممکن است خیال کنیم ایشان اغراق و تعارف کرده‌اند تا از مردم حاضر در این میدان قدردانی کرده باشند؛ اما نه، این تعابیر خاص و قابل تأمل همچون «قیام مردمی» در بیست و دوم بهمن، نه اغراق است و نه تعارف؛ این را کسی می‌گوید که با پیچیدگی‌های صحنه و ظرایف آن آشنا است و قدر هر قدم پیرو جوان و نوجوان و کودک را در این رویداد ملی و تاریخی می‌داند.

### ■ گفتند آقا ول کنید!

این‌ها را کسی می‌گوید که بیش از دوازده سال پیش هشدار داده بود: «برای اوتنها راه، منحصر در این است که ملت و مسئولین ایران در نهایت به یک محاسبه‌ای برسند که احساس کنند ادامه‌ی این راه به صرفشان نیست. دشمن می‌خواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ می‌خواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استکبار، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرفها باید دست بکشیم؛ کما اینکه گفتند دیگر در یک برهه‌ای، کسانی گفتند آقا ول کنید قضیه‌ی اسرائیل را، ول کنید قضیه‌ی فلسطین را، ول کنید قضیه‌ی عدالت در سطح جهانی و حمایت از ملت‌های عدالت‌خواه را، رها کنید این حرفها را؛ چه کار دارید؟ به خودتان بچسبید. این همان تغییر محاسبات است.» ۱۳۹۱/۵/۱۶

کسی که تنها چند ماه پس از جانشینی امام راحل و به دست گرفتن زعامت ائت، در آذرماه سال ۱۳۶۸ در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به شدت

نسبت به تهاجم تبلیغی و فرهنگی دشمن هشدار داده و آن را به بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سروصدایی تشبیه می‌کند که آثار و نتایج کشنده‌ی آن بعداً مشخص خواهد شد، کسی که ۳۵ سال پیش می‌دید و می‌دانست که دشمن چه طراخی گسترده و پیچیده‌ای برای مسموم‌سازی اذهان جامعه دارد، ارزش کار تک‌تک کسانی را که قیام مردمی بیست و دوم بهمن امسال را رقم زدند می‌داند و واقف است که این حضور بموقع در چنین زمانه‌ی خطیری، چه آثار مهم و تعیین‌کننده‌ای بر امنیت ملی کشور و آینده‌ی آن دارد. پس عجیب نیست اگر دو روز بعد از بیست و دوم بهمن این‌گونه از این اتفاق یاد و تجلیل کند: «این حضور جوانان، چهره‌های شاداب، گسترش در تمام کشور، نه فقط تهران، نه فقط شهرهای بزرگ، حتی روستاها در این حرکت بزرگ شرکت کنند - در بعضی از شهرها هوا سرد بود، بسیار نامناسب بود - پیام اتحاد ملت ایران بود. حقاً و انصافاً ملت ایران کار بزرگی کردند. در مقابل این تهدیدهای احمقانه‌ای که مرتب، پشت سرهم دارد صورت می‌گیرد نسبت به ملت ایران، ملت ایران هویت خودش، شخصیت خودش و توان خودش و پایداری خودش را به همه نشان داد. مکتل این حرکت بزرگ مردمی هم سخنان صریح و راهگشای رئیس‌جمهور محترم بود که از زبان مردم، سخن دل مردم را بیان کرد و آنچه را لازم بود ایشان بیان کنند، گفتند. من همیشه تکرار میکنم با مخاطبین خودم، با جوانهای عزیز که از اعماق دل به آنها دلبسته و علاقه‌مند هستم، می‌گویم: کار را باید بهنگام انجام داد. ملت ایران در روز دوشنبه کار را بهنگام انجام داد؛ آن وقتی که باید انجام بدهد انجام داد، آن وقتی که باید خودش را نشان بدهد نشان داد. رحمت خدا بر این ملت!»

● ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ ■ پایان سرمقاله



ع جشن میلاد امام زمان (عج) در مسجد حکمران - جمعه ۲۶ بهمن

إِنَّمَا التَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَآيَسَ بِضَآئِهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ | سوره مجادله، آیه ۱۰

### نجا کردن در جمع از اعمال منافقین است

میفرماید: إِنَّمَا التَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ؛ درگوشی صحبت کردن از شیطان است، از کار شیطان است. اینجا مفهوم شیطان هم یک قدری برای ما روشن تر و بازتر میشود نوع کار، کار شیطانی است. یک جمعی نشستند، دارند با همدیگر حرف می زنند؛ دو نفر بنا میکنند پیچ کردن و درگوشی هم حرف زدن؛ این، دیگران را بدبین میکند؛ دیگران را غمگین میکند، چه گفتند؟ نکند که راجع به من چیزی گفتند؟ نکند راجع به آن عزیز من که در سفر است یا در جبهه است یک حرفی هست؟ نکند راجع به من یک توطئه ای در نظر است؟ إِنَّمَا التَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ؛ این نجوایی که منافقین میکنند، از کارهای شیطان است. ۱۳۶۱/۲/۳۱ | بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در جلسه تفسیر سوره مجادله

### حدیث زندگی

### شبهات به کسی که عالم به زمان خود است، هجوم نمی آورد

اینهایی که بصیرت ندارند - مثل این بیچاره هایی که در فتنه گرفتار شدند - مثل کسانی اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار میخواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خب نمیدانند دشمن کجا است؛ یکی از اولین شرایط جنگهای نظامی، اطلاعات است؛ بروید اطلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون اطلاع رفتید، شما ممکن است جایی را بزنید که دوست آنجا است؛ کسی را بزنید که با شما دشمن نیست و به دشمن کمک کنید؛ گاهی این جوری میشود. اگر بصیرت نبود، اگر بصیرت نبود، میشود این؛ که فرمود: الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَأْيَسُ؛ شبهات و نادانی ها و نفهمی ها به کسی که عالم به زمان خود است، هجوم نمی آوردند؛ میفهمد چه کار باید بکند. اگر این نبود، مشکل به وجود خواهد آمد، حتی اگر آن احساس مسئولیت هم باشد. ۱۳۹۳/۰۹/۰۶ | کافی، ج ۱، ص ۲۶

### کلام امام، نقشه راه انقلاب

### جمهوری اسلامی در دست شما امانت است



شما ملت عزیز با قدرت خودتان با ایمان خودتان با تحولی که درتان واقع شد، دست تبهکاران را در داخل و دست غارتگران را که از خارج دراز شده بود قطع کردید. شما یک حکومت طاغوتی را برداشدید و به جای او یک حکومت اسلامی گذاشتید. شما بی که این کار را کردید باید دنبالش باشید تا نگهش دارید. نمی شود که انسان یک کاری بکند و نیمه کاره رهاش کند. امروز که اسلام و جمهوری اسلامی در دست شما و ما و همه ملت ایران امانت است، اگر چنانچه خلاف بکنیم، خلاف مصالح جمهوری اسلامی بکنیم، خلاف مصالح اسلام بکنیم، به این امانت خیانت کردیم. ۱۳۶۳/۶/۲۳ | امام خمینی

### خطبه های انقلاب

### پروردگارا! ما را از دولت کریمه حضرت مهدی بر خوردار فرما

پروردگارا! تو را به حق ولی و حجت، مهدی موعود عزیز - که اگر قبول فرماید، ما سربازان و خدمتگزاران اویم - قلب مقدس او را در این روز جمعه از همه ما راضی و خشنود فرما. پروردگارا! تو را سوگند میدهم که ما را از دولت کریمه ای که مهدی عزیز در آن است، بر خوردار فرما... پروردگارا! سخن حقایق این ملت را که غوغاهای تبلیغاتی نمیکند در دنیا به گوش انسانهای سالم برسد، در فضای عالم طنین افکن بگردان. پروردگارا! دشمنان ما را به کلی از این ملت مأیوس کن. ۱۳۷۳/۱۱/۲۸ | بیانات در خطبه نماز جمعه

### منشور معنوی انقلاب



۱۳۶۶/۰۴/۰۶

عملیات نصر ۴

گلزار شهدای شهر آستانه اشرفیه

فرازی از وصیت نامه سردار شهید «مهدی خوش سیرت»

### با سلاح تقوا و صبر، خادم انقلاب باشید

به نام خداوند بزرگ که به بزرگی و وحدانیت خود بر همه ما منت نهاد و حیات ما را در رضای روحانی جمهوری اسلامی ایران مقدر گردانید. خدایا اشک ندامت شرمندگی برگونه ام روان است و در حالی که قربان صالح درگاهت در این زمان ها که لحظه وصل است اشک شوق وصال محبوب می ریزند. پدرم و مادرم و همه اعضاء خانواده مفتخر و خرسند باشید که امروز خداوند به شماها افتخار می کند. طوری زندگی کنید که انگار فرزندی به انقلاب تقدیم نکرده اید و همیشه خود را بدهکار انقلاب و اسلام و امام بدانید. از برادرانم عاجزانه درخواست دارم که با سلاح تقوا و صبر خادم انقلاب باشند و از مواضع تفرقه دوری کنند و از خواهرانم مسئلت دارم که در کردار و افعال خود به زینب توجه کنند و در امر جهاد بی تفاوت نباشند.

### دوستان به قدرت دفاعی ایران می بالند و دشمنان از آن می هراسند!

حسینیه امام خمینی، صبح ۲۴ بهمن میزبان دیدار دانشمندان و مسئولان صنعت دفاعی و نمایشگاه دستاوردهای این صنعت بود. رهبر انقلاب در این رویداد تاکید کردند که دوستان انقلاب به قدرت دفاعی ایران آن میبالند و دشمنان از آن در هراسند و این واقعیت برای یک کشور، حائز اهمیت است.

### به صرف کتاب

### «آخرین فرصت»

انتشارات به نشر

نویسنده: سمیرا اکبری

۳۲۳



«آخرین فرصت» کتابی است که نه تنها زندگی نامه شهید علی کسایی را روایت می کند، بلکه تصویری جامع از دوران انقلاب و جنگ ایران و عراق ارائه می دهد. سمیرا اکبری با استفاده از مصاحبه ها، خاطرات و اسناد، اثری خلق کرده که خواننده را به سیر زندگی این شهید بزرگوار می برد. شهید کسایی از کسانی بود که مبارزه را از قبل از انقلاب آغاز کرده بود. این شهید با تسلط بر قرآن و نهج البلاغه به معلم معارف اسلام تبدیل شده بود. جنگ هم که شروع شد به جبهه رفت، تولد، عقد و شهادت شهید کسایی در روز عید غدیر اتفاق افتاد به همین دلیل هم به «شهید غدیری» شهرت پیدا کرد.

نویسنده برای نگارش «آخرین فرصت» از منابع متنوعی مانند مصاحبه با خانواده، دوستان و همزمان شهید کسایی، خاطرات و اسناد استفاده کرده است. همین هم باعث شده که کتاب از نظر محتوایی غنی شده و از اعتبار بالایی هم برخوردار باشد.

«آخرین فرصت» دارای نثری روان و جذاب است و خواننده را تا پایان با خود همراه می کند. نویسنده با استفاده از توصیفات دقیق، صحنه های مختلف زندگی شهید کسایی را به زیبایی به تصویر کشیده است.

این کتاب برای طیف وسیعی از مخاطبان از جمله علاقه مندان به تاریخ انقلاب و جنگ، دوستداران ادبیات دفاع مقدس و کسانی که به دنبال الگوهای اخلاقی و انسانی هستند، مناسب است.

«آخرین فرصت» نه تنها یک زندگی نامه، بلکه سندی است بر چگونگی تاثیرگذاری معارف علوی و قرآنی در ساخت شخصیت انسان. همچنین علاوه بر ساخته شدن شخصیت فرد، چگونگی حضور و تاثیر انسانی که این چنین تربیت شده را بر جامعه هم بیان می کند.